

# مذاکره بدون پیش‌شرط از سوی ترامپ، و واکنش نرم مقام‌های ایرانی

این روزها همان طور، که نقل‌های مختلف نامه‌ی مردم از سران و شخصیت‌های مهم نظام ولایی ایران نشان می‌دهد، به نظر می‌آید نظام مستبد و غیرمردمی ایران بدش نمی‌آید برای حفظ کیان و قدرت خود بار دیگر به مذاکره، اما این بار با خود دشمن اصلی تمام مردم زحمتکش ایران و جهان، مذاکره با ایالات متحده، تن دهد. هدف از این مذاکره احتمالی، همچون معامله پیشین جمهوری اسلامی با آمریکا و سه کشور دیگر اروپایی و چین و روسیه تحت نام “برجام”، چیزی جز کسب درآمد از طریق فروش نفت و مواد خام دیگر نیست تا بتواند به ویژه با گران شدن دلار و دیگر ارزهای خارجی دیگر دست به کسب درآمد بالایی بزند. باید یادآور شد که ما مخالف مذاکره با هیچ قدرتی از جمله آمریکا نیستیم، بلکه می‌خواهیم به هدف رژیم از این مذاکره و چرایی تن دادن آن به مذاکره در شرایط نابرابر پی ببریم.

همان‌طور که در یکی از شرط‌های موجود در فکت‌شیت صندوق بین‌المللی پول آمده است، همه دولت‌ها، به ویژه آن‌هایی که از این صندوق وام دریافت کرده یا قصد دریافت چنین وامی دارند، باید سخت تلاش کنند تا ارزش پول ملی‌شان را تا سرحد امکان پایین بیاورند، تا بتوانند با فروش محصولات خود از طریق صادرات، به درآمد بیشتری دست یابند. با اجرای این دستور صندوق بین‌المللی پول که یک نهاد بسیار مهم و مدافع سیستم سرمایه‌داری جهان است، طرح این گمان را مجاز می‌دارد گفته شود که (۱) تصمیم اخیر دولت ایران با تغییر رییس بانک مرکزی کاملاً آگاهانه بود تا بتواند با تصمیم “شجاعانه” ای که البته مورد تایید هم صندوق بین‌المللی پول و هم تمام بازاریان و دلان بزرگ ایران است، دست به برپایی بازار ثانویه دلار بزند تا ارزش پول ملی‌شان را تا سرحد امکان پایین بیاورد و نرخ دلار را در این بازار تا نزدیک به نه هزار تومان اعلام کند. این امر تنها به هدف کسب درآمد بیشتر تریالی برای تامین نیازهای داخلی

بوده است تا بتواند جلوی اعتراضات احتمالی کارگران و کارمندان خود را با پرداخت های به موقع بگیرد. همان طور که رسول خضری، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس بر ملا ساخت «دولت بالای ۲۰۰ هزار میلیارد تومان از جیب مردم در آمدزایی کرد» (خبر آن در توده ای انتشار یافت). ۲) با بالا بردن ارزش دلار و پایین کشاندن ارزش پول ایران، حال هم دولت و هم حاکمیت به یک چیز نیازمند هستند: فروش نفت و کسب درآمد ریالی هر چه بیش تر دولت و صادرکنندگان مواد پتروشیمی که غالباً شرکت ها و ابرشرکت های خصوصی ایران هستند. برای فروش نفت و دیگر فراورده های دیگر هم دولت و هم دیگر نهادهای اقتصادی «رفاقتی» و رانتی منصوب ولی فقیه یا دست بوسان او تنها به مذاکره نیاز دارند تا در دور دوم تحریم که از آبان امسال شروع می شود، بتوانند خود را نجات دهند، نه ایران و ایرانیان را.

هم دولت و هم حاکمیت که وابستگی تام به اقتصاد انگلی نفتی، مالی و تجاری دارند، و هرگز به اقتصاد تولید- محور و به ویژه به ارتقای سطح زندگی مردم و خروج آن ها از زیر «فقر مطلق» نمی اندیشند که به گفته ی خضری به ۵۰ درصد ارتقا یافته است. رژیم با مذاکره ی دیگر از موضع ضعف دیگر تنها به فکر تامین منافع اقتصادی و حفظ قدرت سیاسی طبقه های حاکم است، نه به فکر نیازمندی های زحمتکشان یدی و فکری ایران.

با این همه، به نظر نمی آید که دولت و حاکمیت بتواند با حفظ و کسب درآمد خود از طریق فروش نفت و فراورده های نفتی اعتراضات به حق مردم را پایان یافته تلقی کند. گرچه دولت می تواند با ادامه ی فروش نفت به درآمدی کلان دست یابد، ولی نمی تواند جلوی گرانی هر چه بیش تر اقلام مختلف را از ضروری و غیرضروری بگیرد. به ویژه اقلامی که از طریق واردات وارد بازار ایران می شوند. تنها یک راه وجود دارد و آن این که دولت بتواند حقوق و درآمد خانواده های ایرانی را دقیقاً بر مبنای افزایش نرخ تورم، افزایش دهد، وگرنه هیچ فرد و خانواده از زحمتکشان کم درآمد ایرانی از امروز به بعد نمی تواند با درآمد سابق خود، که الان ارزش واقعی همان درآمد از نصف هم کمتر شده است، زنده بماند چه رسد بخواهد زندگی کند. نشانه ی این وضع اسفبار سقوط بسیاری از خانواده های زیر خط فقر به زیر فقر مطلق است که شاره شد.

پس می توان گفت بحران های فزاینده ی اجتماعی و اقتصادی ایران هرگز فروکش نخواهد کرد تا زمانی که سیاستگذاری های سیاسی، به ویژه اقتصادی و همچنین سیاستگذاری های خارجی آن به شکلی بنیادین تغییر کند. این نظام به دلیل ذات درونی اش نمی تواند دست به چنین تغییراتی بزند، چرا که با این تغییرات به دست خود به حیات چهل ساله خود پایان خواهد داد. بنابراین یک راه در پیش دارد: دست به تقیه ای دیگر، یا همان نوشیدن جام زهر دیگر یا نرمش قهرمانانه ی دیگر بزند که به احتمال بسیار بالا خواهد زد. ولی این تقیه ها تنها کمی به عمرش اضافه می کند. به همین دلیل می بینیم که فاصله تقیه ی اخیر (نرمش قهرمانانه) با تقیه ی دیگر از نظر زمانی بسیار کم شده است. بازنده ی اصلی در مهندسی اجتماعی تقیه، مردم میهن ما و حق حاکمیت ملی ایران است، زیرا با تشدید فزاینده ی وابستگی عمیق تر کشور به اقتصاد امپریالیستی همراه است

این نظام مرتجع دینی، که یک سیستم نظامی و اقتصادی عظیم از آن دفاع می کند، استحاله پذیر نیست. باید هر چه سریع تر جبهه متحد ضد دیکتاتوری را تشکیل داد و با اتخاذ تاکتیک های هوشمندانه ی انقلابی از طریق تجهیز توده ها و اعتراضات و اعتصابات سراسری رژیم مستبد را به زیر کشاند. و این نشدنی است مگر بتوان شرایط ذهنی ضروری را به کمک جبهه واحد مردمی با ارایه ی برنامه برای نوسازی و توسعه ی ترقی خواهانه جامعه و ارتقای عدالت اجتماعی تحقق بخشید.

\*\*\*

به نقل از «نام مردم»، شماره ۱۰۵۷، ۱۵ مرداد ماه ۱۳۹۷

“... این نظام مرتجع دینی، که یک سیستم نظامی و اقتصادی عظیم از آن دفاع می کند، استحاله پذیر نیست. باید هر چه سریع تر جبهه متحد ضد دیکتاتوری را تشکیل داد و با اتخاذ تاکتیک های هوشمندانه ی انقلابی از طریق تجهیز توده ها و اعتراضات و اعتصابات سراسری رژیم مستبد را به زیر کشاند. و این نشدنی است مگر بتوان شرایط ذهنی ضروری را به کمک جبهه واحد مردمی با ارایه ی برنامه برای نوسازی و توسعه ی ترقی خواهانه جامعه و ارتقای عدالت اجتماعی تحقق بخشید.”

هفته گذشته، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در اظهاراتی که تعجب بسیاری را نیز به همراه داشت اعلام کرد حاضر به مذاکره با مقام‌های حکومت اسلامی بدون هیچ پیششرطی است. به دنبال این اظهارات، واکنش‌ها در داخل هم تقریباً وسیع بود. روزنامه آرمان، ۱۱ مردادماه، در این رابطه به راهکار فراندوم اشاره کرد و نوشت: "با پیشنهاد دونالد ترامپ برای مذاکره بدون پیششرط با ایران بار دیگر برگزاری فراندوم به موضوع پررنگی در محافل مختلف اعم از سیاسی و غیرسیاسی تبدیل شد. اصل ۵۹ قانون اساسی تصریح می‌کند 'در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد و درخواست مراجعه به آراء عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد'." روزنامه آفتاب یزد، در همان تاریخ، اظهارات محمدعلی عزیز جعفری، فرمانده کل سپاه را نقل کرده که خطاب به مقام‌های آمریکا می‌گوید: "شما این آرزو را به گور خواهید برد که مقامات جمهوری اسلامی ایران از شما درخواست ملاقات کنند یا اجازه ملاقات با شما را از ملتشان دریافت نمایند. هرگز چنین روزی را نخواهید دید." لازم به یادآوری است که علی خامنه‌ای در زمانی که اوباما تقاضای مذاکره با ایران را کرد با این توصیف که این دست چدنی در دستکش مخملین است، آن تقاضا را رد کرد، اما بعداً، پنهانی، مذاکراتی را با آمریکا آغاز کرد که به توافق برجام انجامید. روزنامه ابتکار، ۱۱ مردادماه، نوشت: "هرچند برخی اشخاص مانند حشمت‌الله فلاح‌پیشه، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، اعلام کردند که مذاکره با آمریکا نباید تابو تلقی شود، اما عمده نظرات در خصوص عدم امکان مذاکره با دولت فعلی آمریکا بود." علی خرم، دیپلمات پیشین، در گفت‌وگو با روزنامه "قانون"، با اشاره به اینکه "آمریکا با قدرت دلار قادر است وقتی اسم تحریم را در کشوری بیاورد، آن کشور را مستأصل کند"، در ادامه گفت: "ایران نباید هیچ پیششرطی در این مذاکره بگذارد. البته برای هر دو طرف نباید پیششرطی گذاشته شود. باید هر دو طرف مذاکره را آغاز کنند و طلسمی که اکنون بین دو کشور است، بشکنند." روزنامه "آرمان"، ۱۰ مردادماه، نوشت: "حمید ابوطالبی، مشاور سیاسی رئیس‌جمهور در حساب توئیتر خود نوشت: احترام به ملت بزرگ ایران، کاهش خصومت‌ها و بازگشت آمریکا به برجام، هموار کننده مسیر سنگلاخ کنونی است؛ گفت‌وگوی تلفنی روسای جمهور دو کشور در سازمان ملل در سال ۱۳۹۲، بر این باور استوار بود که می‌توان با التزام به ابزار گفت‌وگو در مسیر اعتمادسازی گام برداشت." روزنامه "ابتکار" نیز آورد: "علی‌اکبر ناطق نوری روز گذشته در حاشیه بازدید از خبرگزاری ایرنا"

گفته بود که نباید ابتدا به ساکن پیشنهاد مذاکره رئیس ایالات متحده آمریکا را رد کرد و لازم است این موضوع با تأمل و در شورای عالی امنیت ملی مورد بحث قرار گیرد." علی مطهری در حاشیه جلسه علنی دیروز مجلس به خبرنگاران گفت: "اگر آمریکا از برجام خارج نمیشد مذاکرات اشکال نداشت. هرچند که بهتر بود در زمان او باما مذاکرات با آمریکا صورت گرفته و بسیاری از مشکلات را در زمان دولت او حل می‌کردیم." روزنامه اعتماد نوشت: "سکوت دولتمردان و سیاست‌ورزان طی ساعات بعد از اظهارات ترامپ، نشان داد که تصمیم‌گیرندگان سیاسی در کشورمان در حال تأمل روی راه‌های پیشروی خود هستند." بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه، در واکنش به سخنان جدید ترامپ گفت: "باید ببینیم آیا رئیس‌جمهوری آمریکا بعد از سرخوردگی از لفاظی‌های بی‌حاصل با تغییر ادبیات خود تصمیم گرفته است دست از زبان تهدید علیه مردم ایران بردارد یا خیر." روزنامه ایران، ۱۰ مردادماه، در اشاره به شایعات موجود، نوشت: "سابقه میانجیگری عمان بین ایران و آمریکا درست در شرایطی که رئیس‌جمهوری آمریکا مدعی تمایلش به ملاقات و گفت‌وگوی بدون پیش‌شرط با رهبران ایران شده است، گمانه‌زنی پیرامون تکرار آن میانجیگری‌ها را تقویت کرد. گمانه‌هایی که از چند روز قبل و در جریان سفر وزیر خارجه عمان به واشنگتن مطرح شده بود." روزنامه قانون، ۱۰ مردادماه، در همین ارتباط، نوشت: "بسیاری از کارشناسان پایشان را در یک کفش کرده‌اند که ایران و آمریکا به صورت مخفیانه در حال مذاکره با هم هستند و البته در این میان، وساطت عمان را نیز به عنوان آدرس اصلی مطرح می‌کنند. نکته اما اینجاست که مذاکرات مخفیانه در همه‌جای دنیا مرسوم است و بیشک حرکتی نامعقول و نامتعارف محسوب نمی‌شود." روزنامه بهار، ۹ مردادماه، به نقل از علی بیگدلی، استاد روابط بین‌الملل، نوشت: "متأسفانه ما طی ۴۰ سال گذشته از موقعیت‌های خوبی که برایمان پیش آمد به درستی استفاده نکردیم و حالا عدم پذیرش پیشنهاد دونالد ترامپ مبنی بر مذاکره بدون پیش‌شرط، یکی از همان اشتباهاتی است که اگر انجامش دهیم، یک فرصت بسیار خوب را دوباره از دست خواهیم داد."

بررسی مجموع اظهارنظرهای تا کنونی مقام‌های رسمی و غیررسمی در جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که اصل مذاکره دوباره با آمریکا رد نشده است و حتی مخالفت‌های تند در مورد مذاکره، در بردارنده نکته‌هایی‌اند که تمایل به مذاکره را رد نمی‌کنند. چنانچه این گمانه‌زنی‌ها و پیغام و پیغام‌ها سرآخر به دور جدیدی از مذاکرات بینجامد، آن چیزی که در این میان محرز است آن است که رژیم ولایت

فقيه در مذاکره موقعیتی ضعیفتر خواهد داشت. حکومت‌های ضد مردمی در محاسباتشان به‌منظور مذاکره، حفظ منافع خود را در اولویت قرار می‌دهند. نیروهای مترقی به‌طور اصولی هر مذاکره‌ای که در نهایت به بهبود وضعیت مردم کمک کند را به‌نفع منافع ملی قلمداد می‌کنند.